

## نقش کتاب

## در تمدن

## و فرهنگ اسلامی

ضیاءالدین سردار \*

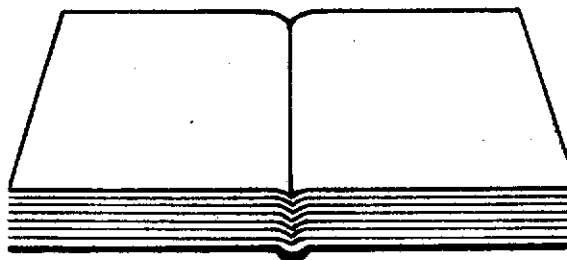
ترجمه مهیار علوی مقدم

دیدگاه‌های جهانی اسلام، مفاهیم کلی پدید می‌آورد. هنگامی که این مفاهیم با تمامی استدلال‌های پیچیده‌اش، در سطوح مختلف جامعه و تمدن به واقعیت گراید، زیربنایی جامع برای فراگیر شدن علم بوجود می‌آید. دست‌کم پنج مفهوم اسلامی تأثیر مستقیمی بر فراگیر شدن آگاهیها دارند: عدل، علم، عبادت، خلافت و وقف. پژوهشی درباره تاریخ صدر اسلام نمایانگر آن است که چگونه این پنج مفهوم، شکل عینی به خود گرفتند و زیربنایی بسیار دقیق برای همگانی شدن علوم و آگاهیها بوجود آوردند.

دقیقاً از آغاز اسلام، مفهوم همه‌جانبه علم نگرش مردم مسلمان را پی‌ریخت. در واقع اسلام دانش‌اندوزی را یک وظیفه مذهبی تلقی کرد. این بدان معناست که مسلمان بودن به معنای پی‌ریختن، بوجود آوردن، تطور و گسترش علم است.

افزون بر این، برای مفهوم علم حدی متصور نیست و اندیشه‌های انحصاری در آن راهی ندارد. علم، معرفت فراگیر است و در انحصار افراد، طبقه و گروه خاصی نیست و تنها به مردان اختصاص ندارد. علم در اختیار تعداد اندکی از مردم نیست و از آن بخش وسیعی از جامعه است. علم به زمینه بخصوصی از تحقیق و تربیت محدود نمی‌شود. بلکه تمامی ابعاد دانش بشری و طیف گسترده‌ای از پدیده‌های طبیعی را دربرمی‌گیرد.

اسلام علم را همسنگ عدل می‌داند و معتقد است که: «علم به مانند عدالت نقش مهمی را ایفا می‌کند.» همان‌گونه که عدل ضروری به معنای عدالت فراگیر است علم نیز معرفت فراگیر است. علم وسیله‌ای برای دست‌یافتن به عدالت است. آرمان



مطلوب دیدگاه جهانی اسلام، بوجود آمدن جامعه دادگر و عادل است.

این مهم جز به یاری دانش فراگیر، دستنیافتنی است، آن هنگام که علم در عمق جامعه نفوذ یابد و به آسانی در دسترس همگان قرار گیرد، عدالت می‌تواند در تجلی اسلامیش بنا نهاده شود.

مسلمانان صدراسلام، از ارتباط تنگاتنگ بین علم و عدل بخوبی آگاه بودند. از همان آغاز، آنان با گسترش تعالیم قرآنی، سخنان پیامبر بزرگوار اسلام را در میان ایمان‌آوردندگان مورد توجه قرار دادند. تنها در صورتی می‌شد انتظار داشت که مسلمانان بر طبق دستورات قرآنی و احادیث رفتار کنند که نسخه‌هایی از قرآن و مجموعه‌های موثق از احادیث در اختیار داشته باشند.

نخستین گام در این خصوص\*... حفظ تمامی قرآن و نگهداری آن در ذهن ایمان‌آوردندگان بود، که نمودی از اندیشه فراگیر شدن علم است. چون آیات الهی قرآن می‌توانست به آسانی در خاطرها سپرده شود، مفاهیم آن بخوبی فرا گرفته می‌شد. با این وجود، به علت گونه‌گونی زبانها، برخی به ضرورت حفظ قرآن به صورت نیشته‌های پی‌برده بودند. از این‌رو، آنان گامهای ضروری در جهت صیانت متون دست‌نیشته‌های برداشتند. گام بعدی توسط گردآورندگان احادیث که روند پیچیده‌ای از موثق بودن این سخنان را توسعه بخشید برداشته شد که منجر به در دسترس بودن احادیث در میان تمامی بخشهای جامعه گردید.

در طول اولین قرن ظهور اسلام، روایتهای غیر مضبوط بسیار فراوان بود و وسیله اصلی فراگیر شدن دانش محسوب می‌گردید. اما بزودی

مشخص شد که نمی‌توان بطور کامل به حافظه تکیه کرد، از این رو یساده‌داشت نویسی در بین جویندگان علم و خرد رواج یافت. سعد بن جبیر (م ۹۶/۵۹۶م) در این باره می‌گوید: «در کلاس درس ابن عباس، من معمولاً بر روی صفحه کاغذ می‌نوشتم، اگر صفحه کاغذ پرمی‌شد بر قسمت چرمی بالای کفشهایم می‌نوشتم و سپس بردستهایم می‌نوشتم. پدرم همواره به من می‌گفت: درسها را حفظ کن، اما حفظ آن همراه بانوشتن باشد. هنگامی که از درس استاد فارغ شدی و به خانه بازگشتی، گفته‌های استاد را بنویس، در این صورت اگر به آنها نیاز داشته باشی یا حافظه تو تمدد نکند، تو آن گفته‌ها را بصورت نوشته در اختیار خواهی داشت».

براستی ابن جبیر بر روی چه چیزی می‌نوشت؟ احتمالاً کاغذ مورد استفاده‌اش از پاپیروس<sup>۳</sup> بود که از ریشه گیاهی به همین نام ساخته می‌شد و یا رقی از پوست بز بود. یادداشتهای جمع آوری شده‌ای از این نوع، به سادگی بین دانش پژوهان و طلبان علم رد و بدل می‌شد. غالباً یادداشتهای گرد آوری شده و بصورت کتاب درمی‌آمد.

مدارک بدست آمده از ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد، بلاذری، طبری و بخارائی حاکی از آن است که عروقه بن زبیر (م ۹۵-۹۴هـ/ ۷۱۳-۷۱۲م) نخستین کسی بود که به جمع آوری

\* برای مزید اطلاع رجوع شود به شماره ۲۸ کیهان اندیشه ویژه نامه قرآن مقاله تاریخ تدوین قرآن تألیف محقق ارجمند حضرت استاد سید جعفر مرتضی عاملی.

③ پاپیروس گیاهی از نوع فی که در مصر باستان وجود داشت و از ساقهایش برای ساختن طناب و بادبان استفاده می‌کردند و نوعی مقوا هم از آن می‌ساختند که بر آن می‌نوشتند. مصرف پاپیروس به جای کاغذ تا قرن هشتم میلادی که کاغذ به مصر وارد شد رواج داشت.

با علایق مطالعاتی وی نداشت. هنگامی که هشام بن عبدالله، خلیفه اموی، طی رقعهای از او خواست کتابی در باب فضایل عثمان و علیه حضرت علی (ع) بنویسد، وی یادداشت خلیفه را در دهان گوسفندی فرو کرد و گوسفند نیز آن را بلعید. الاعمش به قاصد گفت: «به خلیفه بگو این است جواب من». همان روز شاگردان انگشت شماری به سوی خانه وی روان شدند و بسا اصرار از او خواستند به آنان حدیث بیاموزد، وی سرانجام از خانه خارج شد و خطاب به ایشان گفت: «اگر در منزل، همسرم نبود- که بیش از شما از او بیزارم- من به نزد شما نمی‌آمدم».

تا زمان درگذشت الاعمش، کتاب در میان عموم مردم رواج یافته بود و وسیله گسترش علم و دانش محسوب می‌گشت. این توسعه، تا حدود زیادی به پیدایش کاغذ مربوط می‌شد، مسلمانان، هنر کاغذ سازی را از چینیه‌ها آموختند. هنگامی که مسلمانان در اواخر قرن اول هجری/ هفتم میلادی با چینیه‌ها ارتباط کردند متوجه شدند که کاغذ می‌تواند در گسترش علوم نقش مهمی داشته باشد.

اولین شهر اسلامی که صنعت کاغذسازی در آن رواج یافت، سمرقند بود. این شهر در ۸۵ هـ/ ۷۰۴م به تصرف مسلمانان درآمد. ثعالبی در «لطائف المعارف» و قزوینی در «آثار البلاد» یادآور شده‌اند که صنعت کاغذسازی در سمرقند، توسط اسرای جنگی چینی بوجود آمد و بزودی به ایالت‌های مرکزی و شهرهای بزرگ اسلامی گسترش یافت.

باگذشت چند دهه، کاغذ جایگزین پاپیروس و پوست شد و عامل اصلی انتشار دانش نوشتاری گشت. این صنعت جدید بزودی پیشرفت کرد، بطوری که تا پایان قرن اول هجری، پوست جای

این چنین یادداشتهای ورق پارهای همت گماشت. شاگرد وی، زهیر (م ۱۲۵ هـ/ ۷۴۲ م) تعداد بسیار زیادی از این کتابها را جمع‌آوری کرد، به گونه‌ای که در منزلش جایی برای دیگر امور نبود. اشتیاق به گردآوری این کتابها و مطالعه آنها بیشتر وقت او را می‌گرفت، از این رو همسرش با شکوه خطاب به زهیر می‌گفت: «به خدا سوگند! اگر سه زن دیگر می‌داشتی، این کتابها بیش از آنها مرا به ستوه می‌آورد».

«روت استلهورن مکنس»<sup>\*</sup> که در سالهای آغاز دهه ۱۹۴۰ م. مطالعاتی در زمینه کتابخانه‌های مسلمانان انجام داده، معتقد است که زهیر به جمع‌آوری کتاب اقدام نمود و اولین کتابخانه مسلمانان را برپا کرد. او در این باره می‌نویسد: «مشخص نیست که آیا کتابهای اولیه صرفاً مجموعه یادداشتهای دانشپژوهان بوده است یا رساله‌هایی که شکل نامه را داشتند و یا کتابهایی رسمی‌تر که تعداد آنها اندک بوده است، به هرحال جمع‌آوری این دست‌نوشته‌ها و پی‌بردن به ارزش مطالب آنها را می‌توان به عنوان سرآغاز کتابخانه مسلمانان انگاشت».

اما حتی در این دوران، کتاب- به عنوان وسیله‌ای برای ثبت منسجم اندیشه‌ها- گامهای نخستین خود را می‌پیمود. به اندیشمندان نامی توصیه می‌شد که کتاب بنگارند. شاگردانی که از سخنان استادان خود یادداشت بر می‌داشتند و آنها را بصورت کتابهای منسجم ارائه می‌کردند نیز سعی داشتند استادان خود را به نوشتن کتاب تشویق کنند.

الاعمش ابومحمد سلیمان بن مهران (۱۴۸-۶۱ هـ/ ۷۶۵-۶۸۰ م)، محدث توانا، زبرک و غیر وابسته به حکام وقت غالباً مأموریت می‌یافت کتابهایی را به رشته تحریر در آورد. اما بسیاری از وظایفی که به وی محول می‌شد تناسبی

\*Ruth Steinhorn Mackersen

که علم شکلی از عبادت است و علم و عبادت دوروی یک سکه‌اند.

بنابراین چندان شگفت‌آور نیست که در دو قرن بعد، صنعت کتاب‌سازی به اقصی نقاط جهان اسلام راه یافت، کتابخانه‌های حکومتی، عمومی، اختصاصی و کتابکده‌های کوچک مساجد و بزرگ مراکز شهرها و کتابخانه‌های جمعی در بخشهای بخصوصی از بازار، ادبا، نویسندگان، مترجمان، میرزبان‌نویسها، تذهیب‌کاران، کتابداران، فروشندگان و گردآورندگان کتاب، همگی در توسعه تمدن اسلامی نقش بسزایی داشته‌اند.

این جماعه در کتاب خود با عنوان «بازار طالبان علم» به سال ۶۶۱ هـ ۱۲۷۳ م در این باره می‌نویسد: «کتاب در تمامی تحقیقات علمی به کار آید از این رو جوینده علم به هر صورتی که ممکن است باید کتابهایی را گردآورد. او باید سعی کند کتاب بخرد، گرایه نماید و یا آن را از دیگری قرض کند. این همه، راههایی است که طالب دانش می‌تواند بدان وسیله کتابهایی گردآورد. اما بدست آوردن، جمع‌آوری کتابهای متعدد، نباید تنها ادعای جویندگان علم برای دانش‌پژوهی باشد. از این گذشته، وقتی که می‌توانی کتابی بخری، خود را با استنساخ به زحمت نینداز. گذراندن ایام با مطالعه کتاب بسیار مفیدتر از استنساخ آنهاست، باقرض گرفتن کتابهایی که می‌توانی بخری و یا گرایه کنی خشنود مشو. افزون براین، امانت دادن کتاب به دیگران امری شایسته است، در صورتی که هیچ زبانی برگیرنده و دهنده کتاب پدید نیاید. گروهی از مردم قرض گرفتن کتاب را کاری ناپسند می‌انگارند، اما عکس آن صوابتر و سزاوارتر است. چون قرض دادن چیزی به دیگری به نوبه خود شایسته است، بویژه در مورد کتاب که خدمتی است به توسعه و ترویج علم.»

خود را برای ثبت اسناد حکومتی به کاغذ داد. با تولید کاغذ، سایر صنایع که با انتشار کتاب در پیوند بودند به سرعت رشد کردند. در طول این دوران، ساخت جوهر در رنگهای گوناگون، شیوه‌های خوشنویسی و ابزار و آلات مصور نمودن کتابها به گونه قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرد.

صحافی کتاب نیز تا حدی از دقت و ظرافت برخوردار شد. در آغاز، روشهای صحافی ابتدایی می‌نمود. کتاب با چرم کلفتی جلد و سپس توسط آهک پوشانده می‌شد و همچنان سفت و سخت باقی می‌ماند. اما دست‌یابی به شیوهای از صحافی در کوفه، راه مؤثرتری در تجلید با چرم گذاشت. این روش، استفاده از خرما و بکارگیری چرمی نرمتر و در نتیجه جلدی نازکتر بود.

در همین اوان، هنرهای جدید تزیین جلد و شیوه‌های تذهیب کتاب پیشرفت کرد. در نتیجه، افزون بر آن که نگاهها مجذوب اثر می‌شد، نمونه واقعی از هنر بود. حتی قدیمی‌ترین صحافی کتابهای عربی که بدست ما رسیده است در بردارنده طرحهای زیبایی در حاشیه و پوشش میانی کتابها است. این گونه کتابها در عین سادگی از ظرافت و زیبایی خاص خود برخوردار بود. کتابهایی که بعدها بوجود آمد شامل تزیینهای عالی و تذهیب‌کاریهای مجذوب‌کننده بود که به شکلها و رنگهای گوناگون ساخته می‌شد.

از این رو، با گذشت بیش از صدسال از ظهور اسلام، صنعت کتاب‌سازی به مرحله‌ای از پیشرفت دست یافت که مسلمانان، اهل کتاب، به مفهوم واقعی آن محسوب می‌شدند. خواندن کتابهایی همچون قرآن به یکی از مشغولیات و تفریحات مسلمانان تبدیل شد. رابطه بین مطالعه و قرآن بسیار مهم است: قرآن این اندیشه را بنیان گذارد

عربی بازگردانند. کندی خود در حدود ۳۰۰ کتاب در زمینه موضوعاتی همچون پزشکی، فلسفه و موسیقی نگاشت که در بیت‌الحکمه گردآوری می‌شد.

مأمون شخصاً جهت افزایش انگیزه مترجمان به آنان پاداش می‌داد و هر ترجمه‌ای را تأیید می‌کرد. وی همچنین گماشتگان خود را به اقصا نقاط مانند هند، سوریه و مصر فرستاد تا نسخه‌های کمیاب و بی‌نظیر را گرد آورند. حنین بن اسحاق، طبیب مشهور، در جستجوی کتاب‌البرهان به فلسطین سفر کرد.

بیت‌الحکمه شامل تعدادی دانشمند مسلمان و غیرمسلمان بود. از این عده می‌توان قسطا بن لوقا<sup>۱</sup>، یحیی ابن عدی، طبیب هندی، دوبان Duban و خوارزمی را نام برد. خوارزمی ریاضی‌دان نامی مسلمان و بنیانگذار علم جبر از اعضاء بیت‌الحکمه بود. وی کتاب مشهور «الجبر والمقابله» را نگاشت.

① حمدانیان Hamadanids: آل حمدان نام دولتی است که در زمان خلافت عباسیان در سوریه و اطراف آن فرمانروایی داشتند و ابوالهیجا عبدالله حمدان مؤسس این سلسله بود. حمدانیان در زمان سیف‌الدوله به اوج عزت و اقبال نایل شدند. آل حمدان قریب به ۶۰ سال حکومت کردند. ② کندی: ابویوسف یعقوب ابن اسحاق، معروف به فیلسوف العرب از فلاسفه و دانشمندان بزرگ اسلام در علوم ریاضی و طبیعی در قرن سوم هجری بود. کندی کتب و رسالات فراوان در فلسفه، منطق، حساب، هندسه، نجوم، طب، سیاست و غیره تألیف کرد. (رک: یوحنا عمیر، الکندی، ترجمه تحشیه صادق سجادی، چاپ اول، انتشارات فلسفه، ۱۳۶۳) م.

③ قسطا ابن لوقا Qusta ibn Luga: وی بملبکی و رومی الاصل بود. فیلسوف و مترجمی مشهور بود که معاصر مقتدر عباسی و در زبان عربی و یونانی مهارت داشت. از جمله تصانیف وی می‌توان: الفلاحة السیوانیه، ثلاث مقالات فی رفع الاجسام الثقلیه، المرایا المحرفه، را نام برد. قسطا ابن لوقا تعدادی از کتابهای طبی، ریاضی، فلسفه و علم فلک را از یونانی به عربی ترجمه کرد. م.

امانت دادن کتاب در سرتاسر تمدن اسلامی رواج یافت و در تمامی شهرهای بزرگ، کتابخانه‌هایی بنانهاده شد. در ابتدا، تنها کتابخانه‌های باشکوه حکومتی وابسته به خلفا وجود داشت. تقریباً تمامی خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویه اسپانیا، فاطمی مصر، حمدانیان\* حلب Aleppo، آل بویه ایران، سامانیان، غزنویان و مغولهای هند، کتابخانه‌های عظیمی در قلمرو حکومت خود بنانهادند.

بر طبق گفته جورج مکدیسی George Makdisi، شش اصطلاح در پیوند با کتابخانه مورد استفاده قرار گرفت تا کتابخانه را متمایز کند. سه واژه از آنها، محدود به یک مکان بوده است: بیت، خزانه و دارو سه واژه دیگر به آن چه که در کتابخانه جای می‌گرفت مربوط می‌شده است: حکمت، علم و کتب. این کلمات، هفت ترکیب را برای معرفی کتابخانه بوجود آوردند: بیت‌الحکمه، خزانه‌الحکمه، دارالحکمه، دارالعلم و دارالکتب. دو عبارت دیگر را می‌توان به این مجموعه افزود: بیت‌العلم و الخزانه‌العلمیه. از این رو تمامی کتابخانه‌های بزرگ عنوانهایی چون بیت‌الحکمه و دارالعلم داشتند و غالباً مترادف یکدیگر بودند.

یقیناً مشهورترین کتابخانه‌های مسلمانان، بیت‌الحکمه بوده که مرکز مطالعاتی کتابخانه و مکانی جهت ترجمه محسوب می‌شده است و توسط هارون الرشید، خلیفه عباسی، به سال ۲۱۵هـ/ ۸۳۰م در بغداد ساخته شد. بسیاری از کتابها که از زبانهای غیرعربی همچون یونانی و سانسکریت به عربی ترجمه شدند در این کتابخانه انجام پذیرفته که نام آنها در فهرست ابن ندیم و کشف‌الظنون حاجی خلیفه ذکر شده است.

نقل کرده‌اند که مأمون، فرزند هارون الرشید، دانشمندانی چون کندی<sup>۱</sup> - اولین فیلسوف مسلمان - را به کار گماشت تا آثار ارسطو را به

بیت‌الحکمه به عنوان کتابخانه تا قرن ششم هجری/دوازدهم میلادی به حیات خویش در جهان اسلام ادامه داد. این کتابخانه با تأسیس دومین کتابخانه بغداد که مجموعه‌ای به مانند بیت‌الحکمه در آن گرد آمده بود تحت‌الشعاع قرار گرفت.

در نظامیه، کتابخانه‌ای به سال ۱۰۶۵/۴۵۸ م توسط نظام‌الملک، وزیر سلجوقیان ساخته شد. کتابهای این کتابخانه، بطور عمدۀ از طریق وقف گردآوری می‌شد. ابن اثیر در این باره می‌گوید: «محب‌الدین ابن النجار البغدادی\* دو مجموعه بزرگ کتابهای خود را به این کتابخانه اهدا کرد. خلیفه‌النصیر هزاران کتاب از مجموعه کتابهای حکومتی خویش را به کتابخانه نظامیه بخشید».

در میان پرآوازه‌ترین بازدیدکنندگان از کتابخانه، نظام‌الملک طوسی (متوفی ۴۸۵ هـ - ۱۰۹۲ م) بود که کتاب «سیرالملوک» وی درباره حقوق جهانی همچنان به عنوان یک اثر کلاسیک برجای مانده است. نظام‌الملک در طی سفرش به بغداد، مدت زیادی را در نظامیه گذراند. نظامیه کتابداران کارآموده‌ای را به کار گماشت و حقوق قابل توجهی به ایشان می‌پرداخت. از جمله مشهورترین کتابداران نظامیه، ابوزکریا تبریزی و یعقوب بن سلیمان‌العسکری رامی‌توان نام برد. در ۱۱۱۶/۵۱۰ کتابخانه طعمه حریف شد و ساختمان جدیدی به دستورالنصیر برای کتابخانه بنا نهاده شد.

در همین اوان مستنصر بالله، خلیفه عباسی، کتابخانه بی نظیری در مدرسه بزرگی که به سال ۱۲۳۷/۶۲۵ در بغداد تأسیس کرده بود ساخت. در کنار مدرسه مستنصریه، که آثاری از آن همچنان در سواحل دجله بر جای مانده است بیمارستانی قرار داشت. کتابخانه، هم مدرسه محسوب می‌شد و هم بیمارستان. ابن بطوطه، سیاح و جهانگرد نامی، توصیفی روشن

از مستنصریه و کتابخانه آن عرضه می‌کند. وی می‌گوید: تنها در حدود ۱۵۰ بار شتر کتابهای کمیاب از مایملک حکومتی به این کتابخانه اهدا شد که تعداد این کتابها ۸۰۰۰ جلد بود.

با این وجود بغداد تنها شهری نبود که در آن کتابخانه‌های بزرگ وجود داشت. تقریباً شهرهای بزرگ جهان اسلام کتابخانه‌های درخور توجه داشتند که بیت‌الحکمه یا دارالعلم خوانده می‌شدند. مثلاً در قاهره، کتابخانه مجلل خزاین QUSU وجود داشت که توسط حاکم فاطمی، عزیز ابن‌المعز، بنا نهاده شد. این کتابخانه دارای چهل حجره و بیش از یک میلیون و ششصد هزار جلد بود که با استفاده از شیوه‌های نو طبقه‌بندی شده بود.

قاهره همچنین بیت‌الحکمه‌ای داشت که توسط حاکم، ششمین خلیفه فاطمی، در ۳۹۶ هـ - ۱۰۰۵ م تأسیس شد. این مرکز دارای تعداد بسیار زیادی کتاب بود که مجموعه شخصی متعلق به خلیفه را نیز برمی‌گرفت. در کتابخانه برای عموم مردم گشوده بود و مرکز مطالعاتی برای همه آنان که مایل بودند به مطالعه و تحقیق بپردازند محسوب گشت. همچنین منزل، غذا و مقرری در اختیار ایشان گذاشته می‌شد.

با این وجود خلفا تنها پشتیبان تأسیس کتابخانه‌ها نبودند، سلاطین انگشت‌شماری نیز کتابخانه‌هایی برپا کردند. برای نمونه می‌توان توصیف بوعلی سینا، حکیم و پزشک نامدار ایرانی، را از کتابخانه نوح بن منصور، حاکم بخارا را ذکر کرد:

«این رخصت ارزانی من شد تا کتابخانه نوح

\* ابن‌نجار: شهرت وی محب‌السیدین ابو‌عبدالله محمد (۵۸۷-۶۴۳ هـ) ادیب و مورخ بغدادی وی مدت ۲۷ سال در بلاد اسلامی سیاحت کرد. از آثار او ذیل تاریخ بغداد خطیب بغدادی است. م.

ابن‌منصور را بسینم، در اتاقهای بزرگ بسیار زیادی، کتابها اندرون جعبها قرار داده شده بود. در یک اتاق کتابهای لغتشناسی و دیوان اشعار به چشم می‌خورد و در دیگر اتاق، کتابهای فقهی و همینطور تا آخر، کتابهای مربوط به هر علمی در اتاقهای مخصوص نگهداری می‌شد. سپس به فهرستی از نویسندگان پیشین برخوردیم و به آثاری که به همگی آنها سخت نیازمندیم. من کتابهایی را از نظر گذراندم که بسیاری از آنها در نزد من ناشناخته است و تعدادی را پیش از این ندیده بودم».

هنگامی که نوح‌بن منصور، وزارت سمرقند را به صهیب بن عباد دانشمند معروف پیشنهاد کرد، صهیب از پذیرفتن آن امتناع ورزید و خاطر نشان نمود که چهارصد شتر لازم است تا کتابهایش را به سمرقند انتقال دهند، سلطان به مشکل کاری برد و عذر صهیب را پذیرفت، به مانند نوح‌ابن منصور، بیشتر حاکمان محلی در آن روزگار دوستدار کتاب بودند. مثلاً می‌توان کتابخانه عضدالملک، یکی از حاکمان آل بویه را نام برد که توسط کارکنان زیادی اداره می‌شد. این کتابخانه مورد توجه مقدسی\* جغرافی‌دان نامور، نیز قرار گرفته و وی درباره آن توضیحی داده است. این کتابخانه تا زمان حریری (م ۵۱۶هـ / ۱۱۲۲م) همچنان پابرجا بود.

کتابخانه‌های مرکزی، ودیعه‌ای از جانب خدا بودند و بطور کامل در اختیار عموم مردم با هرزمینه مطالعاتی قرار داشتند و هر طبقه‌ای جهت استفاده از آنها جذب می‌شدند و به آنان اجازه استفاده از کتابهای خطی میدادند. این کتابخانه‌ها تنها مخزنی برای کتاب نبودند، بلکه از هر نظر مکانی برای فعالیت فرهنگی تلقی می‌شدند و جدا از برنامه‌های تحقیقاتی متمرکز مرکزی برای تحقیق، آموزش، بحثهای علمی و فعالیتهای

عمومی فرهنگی محسوب می‌شدند. بسیاری از نسخه‌های خطی در کتاب ابن ندیم، فهرست نویس مشهور قرن پنجم/دهم از بیت‌الحکمه استنساخ شده است. این کتاب بیش از ۶۰۰۰ کتاب را فهرست کرده، این مسئله بسیاری از خاورشناسان را به اعجاب واداشته است، چرا که آنان گمان کرده‌اند الفهرست در حقیقت فهرست بیت حکمت است.

به طرح وسایل و شیوه‌های معماری کتابخانه‌ها توجه خاصی مبذول می‌شد، تا همه بتوانند به آسانی از کتاب بهره‌مند شوند و کتابخانه‌ها متناسب با سهولت در مطالعه کتاب و استنساخ نسخه‌های خطی آن باشد. بیشتر این کتابخانه‌ها، همچون کتابخانه‌های شیراز، قاهره و قرطبه با طرحهای معماری خاص خود بنا شدند.

در کتابخانه‌ها، تعداد بسیار زیادی اتاق برای کارهای گوناگون، تالارهایی با قسمه‌هایی که کتاب در آن جا نگهداری می‌شد، قرائت‌خانه، مکانهایی برای گردهماییهای عمومی و حتی در بعضی موارد سالن مهمانیهای جشن و بزم وجود داشت. همه اتاقها بسیار مطبوع و دلنشین بود و کف آن با فرش و پرویای زیبا مفروش شده بود که علاقمندان بر روی آن می‌نشستند و به مطالعه می‌پرداختند.

پرده‌های ضخیم بر روی پنجره‌ها نصب شده بود و فضای دل‌انگیز برساختمان حاکم بود و حرارت اتاقها مطبوع به نظر می‌رسید.

یاقوت حموی تاریخ دان نامی، درباره

\*مقدسی Maqdisi: محمد بن احمد بن ابی بکر البیضاء ملقب به شمس‌الدین مکنی به ابو عبدالله (۳۳۶-۳۷۵ یا ۳۸۰هـ) جغرافی‌دان و سیاح معروف که در بیت المقدس متولد شد. وی به تجارت پرداخت و به اکثر بلاد اسلام سفر کرد و کتاب معروف خود با عنوان «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» را در جغرافیا نگاشت. م.

کتابخانه عضد الدوله شیراز توصیفی خوب و جامع از طرح این مراکز علمی عرضه می‌کند:

«این کتابخانه شامل یک اتاق گنبدی بزرگ است و در کنار آن مخزنهای کتاب قرار دارد. سلطان در کنار اتاق بزرگ، شبستانهایی جهت محل نگهداری کتاب ساخته که بلندی آن به اندازه قد انسان و عرض آن در حدود سه متر است، این اتاقها با چوب تزیین شده و از بالا به پایین، قفسه بندی شده است. کتابها منظم در قفسهها چیده شده و برای هرشاخه علمی قسمتی مجزا تعبیه گشته است. همچنین فهرستی از کتابها وجود دارد که عناوین آنها در این فهرست به چشم می‌خورد.»

کتابخانه عظیمی چون بیت‌الحکمه بغداد شامل اتاقهایی مجزا برای خطاطان، صحافان و کتابداران بود. اس. ام. امام‌الدین\* خاطرنشان کرده است که «کتابخانههای قدیمی مسلمانان به گونهای طرح ریزی شده بود که تمام کتابخانه، از بخش مرکزی قابل مشاهده بوده است.»

از این رو کتابها در دسترس مستقیم استفاده کنندگان قرار داشت. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، در این مؤسسات عام‌المنفعه، کتابداران متبحر و توانا به کار مشغول بودند. مؤلف الفهرست، سه کتابدار را که در یک زمان و یا در فواصل زمانی چند در بیت‌الحکمه به کار مشغول بودند نام برده است. این سه تن از نویسندگان مشهور بودند و آثاری را از یونانی و فارسی ترجمه می‌کردند.

سرپرست کتابخانه سوبور، مرتضی نام داشت که خود از حلقه دانشمندان استفاده بسیار برده بود، دارالعلم قاهره به ریاست قاضی عبدالعزیز فعالیت می‌کرد. وی در فهم علوم فقهی بسیار مشهور بود. این‌گونه کارها از احترامی زیاد و درآمدی نسبتاً مکفی برخوردار بود. در تمام

الفهرست ابن ندیم نشانههایی روشن از تمایل بی‌شائبه به کتابداری در کتابخانه‌ها به‌علت پایگاه عظیم آن در جامعه و مقام دانش‌پژوهی این طبقه به چشم می‌خورد.

افزون بر کتابخانههای مرکزی، تعداد بسیار زیادی کتابخانه عمومی نیز وجود داشته است. یاقوت، جهانگرد و جغرافی‌دان بزرگ دست کم دوازده به کتابخانه در شهر مرو برخورد کرده است. او در طول سه‌سال اقامت خود در این شهر، مجموعه بزرگی از اطلاعات برای قاموس جغرافیش گرد آورد. وی به یک بار ۲۰۰ جلد کتاب از کتابخانه به‌امانت گرفته بود.

در شهرهای بغداد، دمشق، قاهره، قرطبه، فاس، اصفهان، لاهور، دهلی، سمرقند و بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک، مجموعه‌ای از کتابخانههای عمومی وجود داشته است. بیشتر این کتابخانهها از حکومت، مبلغی دریافت می‌کردند و تعدادی دیگر نیز توسط دریافت و فقیه از افرادی که مایل به ترویج علم بودند اداره می‌شدند.

مقدسی، جغرافی‌دان معروف، در این باره می‌گوید: «در طی قرن پنجم/دهم بازدید کنندگان کتابخانههای مرکزی بصره و رامهرمز به‌منظور انجام کارهای کتابخانه، کمکهای مالی به آن می‌کردند، بعلاوه در کتابخانه بصره استاد دانشمندی، تمام‌وقت به تدریس عقاید و تفکرات معتزله مشغول بود.

علاوه بر کتابخانههای عمومی، برای پیشرفت علوم انسانی و علوم محض، کتابخانههای ویژه‌ای برپا شدند و مجموعه‌هایی از کتابهای پزشکی، بیمارستانی، آثاری در زمینه‌های ریاضیات، ستاره‌شناسی، طالع‌بینی، مذهب، علوم منطقی

\*S.M. Imamuddin, Some Leading Muslim Libraries of the World (Islamic Foundation of Bangladesh, Dakkah, 1983)



می‌خواستیم یافتیم. نسخه‌ای زیبا با دستخطی خوش و شرحی که تفسیری وزین در آن نوشته شده بود. فوراً مبلغی را برای خرید پیشنهاد کردم و همچنان به مبلغ پیشنهادی افزودم. در کمال ناامیدی همواره مبلغ بیشتری را به فروشنده کتاب که فریاد می‌زد پیشنهاد می‌شد، هر چند قیمت بیش از ارزش کتاب بود.

با تعجب به سوی فروشنده رفتم و از او خواستم شخصی را که مبلغ بیشتری را برای کتاب پیشنهاد کرده بود به من نشان دهد. وی به سوی مرد والا مقامی اشاره کرد، من نزدیک او شدم و بدو گفتم: خدای تو را عزت دهد! ای حکیم! اگر تو به داشتن این کتاب اصرار ورزی، من از آن چشم می‌پوشم. چون با پیشنهادهای هر دوی ما، قیمت کتاب بیش از ارزش واقعی آن شده است.

او ادامه داد: من نه اهل خرد و دانشم و نه می‌دانم محتوای کتاب چیست، من کتابخانه‌ای عظیم برپای کرده‌ام و به هر قیمتی که شده، آن را ارزشمندترین داراییهای این شهر می‌کنم. یک جای خالی در کتابخانه من وجود دارد که این کتاب برای آن مناسب است. دستخط این کتاب زیباست و به گونه‌ای خوب به زینت طبع آراسته شده است. من به قیمت گزاف آن بهایی نمی‌نهم، چون خدای متعال درآمدی بی‌اندازه ارزانی من داشته است».

بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی توسط بازدیدکنندگان اندیشمند کمک مالی می‌شدند و بسیاری کتابخانه‌ها توسط صاحبانشان وقف می‌گردیدند. علی بن یحیی المنجم آنان را که به منظور مطالعه کتابهای کتابخانه‌اش - خزانه الحکمه - به دیدار وی می‌رفتند پذیرا می‌شده و غذا و محل سکونت آنان را مهیا می‌کرد. بر طبق گفته «مکاری» کتابهای دارالعلم جعفر بن محمد الموصلی جهت استفاده دانش پژوهان وقف شد.

دستاوردهای مختلف وسودمند در مراکز تحقیقاتی جمع آوری شدند. تقریباً هر مؤسسه اجتماعی، فرهنگی و علمی از یک کتابخانه غنی برخوردار بود.

جدای از کتابخانه‌های مرکزی، عمومی و ویژه، هزاران کتابخانه شخصی نیز وجود داشت. در طول دوران خلافت عباسی، کتابخانه شخصی یحیی ابن خالد برمکی به عنوان بزرگترین کتابخانه محسوب می‌شد. در آن کتابخانه از هر کتاب، سه نسخه وجود داشت و بیشتر کتابهای کمیاب بیت‌الحکمه در آنجا گردآمده بود.

در قرن پنجم/یازدهم کتابخانه محمد الدوله ابن فتیق، گردآورنده کتاب و کاتب بزرگ، به علت آنکه بیشتر وقت خود را در کتابخانه‌اش به خواندن و نوشتن می‌گذراند مشهور شد. او چنان از خانواده‌اش غفلت داشت که پس از مرگ وی، آنها سعی کردند کتابهایش را باعصابانیت به دور اندازند. کتابهای کتابخانه دانشمند نامی، واقدی، در قرن چهارم/نهم جهت حمل از بغداد به ماورای دجله به ۱۲۰ شتر با ۶۰۰ صندوقچه نیازمند بود. گردآورندگان کتاب از تاسیس کتابخانه‌ها به خود مباحثات می‌کردند و دانشمندان را به منظور بهره‌بری از آنها دعوت می‌نمودند. این گونه امور در طی زمانهای متمادی رواج بسیاری یافته بود. آنچه درباره کتابخانه‌های مسلمانان به ما رسیده است بیانگر وسعت این چنین مجموعه‌های خصوصی کتاب هستند. حتی آنان که اهل فضل نبودند کتابخانه‌هایی را بوجود می‌آوردند.

مکاری تاریخ‌دان به نقل از خسرمی حکایت می‌کند: «من روزگاری چند در قرطبه رحل اقامت افکندم. در این ایام هر روز در بازار کتاب حضور می‌یافتم، به امید آنکه به کتاب مشخصی که مشتاق بدست آوردن آن بودم برخوردم این جستجو را مدت زیادی ادامه دادم تا آن که یک روز به ناگاه آنچه

کتابفروشی السندیم) است. تقریباً در تمامی شهرهای مسلمانان در دوران پیش از سده‌های میانه بخشهایی در بازار مرکزی وجود داشت که به تاجران کوچک اختصاص یافته بود. «سوق الوراقان» بازارهای کتاب بویژه در بغداد، قاهره، قرطبه، سویل<sup>۵</sup> و سمرقند مشهور بود.

در طول این دوران مؤسسات دیگری نیز وجود داشته که از سوی مورخان مسلمان نادیده انگاشته شده است. از آن جمله می‌توان مؤسسه اجاره را نام برد. اجاره اصطلاحی شرعی است که به مفهوم مجاز داشتن پرداخت مبلغی در برابر استفاده از چیزی است که متعلق به دیگری باشد. در زمینه کتابفروشی، این اصطلاح بیانگر آن است که کتابها اجاره‌ای بوده است، نه تنها از جهت مطالعه بلکه از نظر تکثیر آنها.

تا پایان قرن شانزدهم میلادی/ یازدهم هجری مؤسسه اجاره مکانی عمومی در مراکز شهرهای مسلمانان بوده است. این مراکز، کتابخانه‌هایی برای قرض دادن کتاب از نظر مسایل تجارتي نبودند، بلکه به منزله مراکز پخش کتاب بودند.

اسحاق بن نصیر آبادی هنگامی که جوان و تهیدست بود هر شبانگاه به کتابفروشی مرکزی بغداد می‌رفت و کتابها را یکی پس از دیگری برای استنساخ قرض می‌گرفت. هنگامی که فروشنده از او می‌خواست اجرت کرایه‌ای که برگردن اوست بپردازد، اسحاق می‌گفت: «صبور باش تا موقعیت مناسبی پیش آید.» ما نمی‌دانیم آیا اسحاق به صاحب مؤسسه اجاره پرداخت یا نه، ولی می‌دانیم او طی مدت اندکی کتابخانه شخصی بوجود آورد.

هیچ کسی در بهره‌بری از کتابخانه منع نمیشد. وقتی که بیگانهای برای طلب علم می‌آمد، در صورتی که در تنگنای مالی قرار داشت، موصلی حتی به وی کاغذ و پول می‌داد. کتابهای این کتابخانه بدون استثنا در اختیار جویندگان دانش قرار می‌گرفت و این دانش پژوهان از کمکهای مالی بهرمند می‌شدند.<sup>۶</sup>

جای تعجب نیست که این چنین توجهی به کتاب، منجر به گسترش تجارت کتاب شد. حکومت، داد و ستد کتاب را تشویق می‌کرد و - مانند سلاح و اسب که در جنگها مورد استفاده قرار می‌گرفتند و زیور آلات نو عروسان - کتاب نیز از پرداخت مالیات در اقصا نقاط جهان اسلام بود. غالباً فقط تجارت کالاهای ضروری برداد و ستد کتاب بین حکومتها تفوق داشت، گماشتگان حکومتها، گردآورندگان کتابخانه‌های خصوصی، خریداران کتاب و همچنین دانشمندان و ادبا خود شخصاً به کشورهای مختلف و از جمله سرزمینهای غیر مسلمان به منظور دستیابی به دستنوشته‌های نفیس و با ارزش سفر می‌کردند.

تقریباً در کنار هر مسجدی، کتابفروشی کوچکی وجود داشت. همان گونه که «خدا بخش» خاطر نشان کرده است، تصویری نابجاست که تمامی کتابفروشیها در دوران با شکوه تمدن اسلامی کوچک بوده‌اند.<sup>۷</sup> یقیناً کتابفروشی السندیم که در بردارنده کتابهایی بوده است که در مجموعه عظیم وی موسوم به الفهرست توصیف شده، می‌بایست چندین برابر کتابفروشی فیلس Foyles بوده باشد که دست اندر کاران آن براین باورند بزرگترین کتابفروشی جهان است.

بنابر این منظور از این گفته یعقوبی مورخ که «بیش از یک صد کتابفروشی تنها در بغداد، در زمان من وجود داشته است» کتابفروشیهایی در تمامی ابعاد، چه کوچک و چه بزرگ (همچون

\* The Rise of Colleges Edinburgh University Press, 1981, P.26

© Islamic Studies, Lahore, Sind Sagar Academy

۵ شهر سیویل Seville (اشبیلیه) در جنوب غربی اسپانیا. م.

خود گرفت، کالبد اسلام زیربنایی برای فراگیر شدن علوم در همه جامعه بوجود آورد، گرچه با موانعی جدی مواجه بود. مفاهیم جاویدان اسلام از آن دینیست‌های حقیقی است و در جامعه‌ای بر مبنای مفاهیم پنداری نقشی ندارد و بی‌مفهوم است. در طی اولین روزهای پیدایش اسلام، فرمان نشر علم ووقف در جامعه‌ای که از مشکلات جدی بسیار برخوردار بود، برقرار شد. از جمله این مشکلات فرقه‌گرایی بود که تعداد بسیار زیادی فرقه و گروه، همواره در حال نزاع با یکدیگر بودند. تعداد زیادی از کتابخانه‌ها برای مقابله با دیدگاه‌های فرقه‌ای بوجود آمدند.

از دیگر مشکلات، تفرقه و تقسیمات سیاسی بود. اما به رغم تمامی این ستیزه‌ها و نزاع‌ها، سرشت اعتقاداتی اسلام زیر بنایی عقیدتی را بنیاد نهاد که تمدن مسلمانان را به حد اعلائی خود رساند. امت کنونی اسلام در برابر مشکلات به مراتب شدیدتر نسبت به وضعیت مسلمانان صدر اسلام مواجه‌اند. مشکلاتی همچون وابستگی، محدودیتهای منطقه‌ای، عقاید جبری و مصیبت‌های اقتصادی و محیطی. در این وضعیت، نقش تصورات جاودانه اسلام نمودی بیشتر می‌یابد. آن چه مسلمانان سده‌های پیشین را از نادانی و ستیزه‌ها رهایی بخشید سرشت اندیشه‌های اسلام بود. به همین علت مسلمانان از قدرتی دیر پای و جهانی برخوردارند.

این است واقعیت بسیاری از اندیشه‌ها که قادر است امت کنونی اسلام را از بلایای آشکاری که آنها با آنان مواجه‌اند نجات دهد. تنها باریشه دوانیدن علوم اسلامی در کالبد مفاهیم اسلامی، کشورهای مسلمان قادر خواهند بود قدرت اندیشه‌ای و نیروی تولید را که در جهت مقابله با مشکلات مسلمانان به کار گمارده می‌شود بگسترانند.

به رغم وجود کتابخانه‌های سلطنتی با شکوه تعداد بی‌شمار کتابخانه‌های عظیم عمومی و نیمه عمومی، اجاره و با وجود تجارت در حال گسترش کتاب تقاضاهای دانشمندان مسلمان و تمایل آنان برای دست یابی بر کتاب خشنود کننده نمی‌نمود. ابوریحان بیرونی مدت چهل سال در پی دست یافتن به نسخه‌ای از سفر الاثار مانی بود. ابن رشد مایل بود به برخی از آثار معتزله دست یابد تا مشکلات فلسفی خود را حل کند، اما در یافتن آنها ناکام ماند.

برطبق روایتی به نقل از التوحیدی، ابوبکر البزید در حال جستجوی نسخه‌ای از کتاب جاحظ موسوم به «فرق بین النبی و المتجنی» بود و با وجود سالها جستجو موفق به یافتن نسخه‌ای موثق از آن نشد. از این رو، وی برای زیارت به مکه مشرف شد و در طول اقامتش در آنجا جارزنی در عرفات گماشت تا برای یافتن نسخه‌ای فریاد بزند. حتی با وجود گرد آمدن جماعت زیادی در آنجا که بزرگترین اجتماع مسلمانان از تمامی جهان بود، ابوبکر موفق به یافتن کتاب نشد.

این تحلیل کوتاه از تاریخ کتاب و کتابخانه‌ها در بین مسلمانان و داد و ستد کتاب، نشانگر آن است که چگونه بطور طبیعی زیربنای گسترش علوم در تمدن اسلامی در زمانهای پیشین شکل گرفت. از یک سوی، جای بسی شگفتی است که در کمتر از یک سده پس از هجرت پیامبر بزرگوار، کتاب به عنوان وسیله‌ای اساسی در دسترس برای گسترش علوم و دانش محسوب می‌شد.

اما هنگامی که به مفاهیمی چون علم، وقف و عبادت، توجه نماییم که مسلمانان صدر اسلام در سطوح فردی، اجتماعی و مدنی فعالیت می‌کردند، شگفتی ما در باره رواج ناگهانی کتاب و تلاش علمی اهل ادب در صدر اسلام رنگ می‌بازد. هنگامی که تمامی سطوح جامعه صورت عینی به